

اتحادیه اروپا برای تشکیل نیروی واکنش سریع تا سال ۲۰۲۵ آماده می شود؛

تکاپو برای کسب استقلال نظامی – امنیتی



فرشاد گلزاری

اگر به پرونده‌های جاری در حوزه سیاسی – امنیتی آن هم در مقیاس بین‌المللی نظری بیفکنیم، به وضوح می‌بینیم که یک شرکات مشخص میان ایالات متحده به عنوان بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی دنیا با اروپایی‌ها در تمام عرصه‌ها وجود دارد. این مشارکت در سطح اول میان واشنگتن و لندن قابل لمس و مشاهده است؛ به گونه‌ای که ایالات متحده از دهه‌های قبل تاکنون بر تانیا را متحد سنتی و راهبردی خود می‌داند و حتی در زمان دونالد ترامپ هم شاهد آن بودیم که این مناسبات با توجه به اینکه خیلی‌ها می‌گفتند دچار تزلزل شده، از بین نرفت و به راه خود ادامه داد. اما در سطح دوم این همکاری‌ها، شاهد برقراری و طی شدن مناسبات آمریکا با سایر کشورهای اتحادیه اروپا هستیم که آلمان و فرانسه در صدر این جدول قرار دارند. پس از برلین و پاریس، بیشترین سطح روابط با آمریکا در

اروپا به ایتالیا، هلند، بلژیک، سوئد و اتریش مربوط می‌شود. این دولت‌ها در برهه‌های گوناگون صریحاً مدل روابط خود با ایالات متحده را اعلام کرده‌اند. به عنوان مثال ایتالیا از دهه‌ها قبل به دلیل کوچ اجباری رهبران خانواده‌های مافیای این کشور (کوزانوسترا) به شیکاگو و سپس نیویورک، ریشه عمیقی در اقتصاد ایالات متحده دارند. بلژیک، هلند و سوئد هم به دلیل مناسبات سیاسی و سپس تسلیحاتی که با آمریکا دارند، از اهمیت ویژه‌ای در ساختار سیاست خارجی ایالات متحده برخوردارند. آلمان و فرانسه هم به عنوان شرکای اصلی امنیتی ایالات متحده شناخته می‌شوند و در نهایت سوئیس هم کشوری خواهد بود که از چم و خم اقتصادی جهان و به خصوص آمریکا خبر دارد و به همین دلیل واشنگتن آن را حافظ منافع خود در بسیاری از کشورها می‌داند. این منظومه یک بعد دیگر هم دارد که بسیاری از آن به عنوان رکن و ستون فقرات اصلی روابط اروپا و آمریکا یاد می‌کنند که ناتو یا همان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی

نام دارد. جای هیچ شکی وجود ندارد که اروپایی‌ها در سال ۱۹۴۹ میلادی، یعنی از زمان تشکیل ناتو تاکنون، آمریکا را نقطه اتکای خود می‌دانستند و به همین دلیل اتحادیه اروپا در این مدت سعی کرده تا با تمام سناریوهای ایالات متحده همراه باشد. نکته قابل توجه این است که بیشترین میزان از بودجه ناتو توسط ایالات متحده تأمین و پرداخت می‌شود و به همین دلیل باید گفت که واشنگتن به صورت علنی بر این نهاد «سلطنت» می‌کند. بی‌شک آمریکایی‌ها به دلیل نفوذ اقتصادی و سیاسی که بر متن و بطن ناتو دارند، فضای اطاعت از راهبردهای خود را به اروپایی‌ها تحمیل کرده‌اند که همین مساله به خصوص در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ باعث شد تا اوضاع رو به وخامت برود. همان موقع امانوئل مکران، رئیس‌جمهوری فرانسه اعلام کرد که ناتو دچار مرگ مغزی شده است، اما علاوه بر مقامات اروپا، جب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه با تمام قدرت و قوای خود بر حاکم الیزه تاخت. آن روزها شاید بسیاری

از ناظران بین‌المللی متوجه نشدند که قرار است چه اتفاقی بیافتد، اما حالا به نظر می‌رسد که اتحادیه اروپا تصمیمی اتخاذ کرده که اگر به صورت قطعی بیانگر موضع ماکرون نباشد، کمتر از آن هم نخواهد بود.

پشت کردن به واشنگتن
چند روز پیش یورونیوز اعلام کرد که براساس پیش‌نویس طرح «قطب‌نمای استراتژیک»، اتحادیه اروپا در نظر دارد تا سال ۲۰۲۵ میلادی یک نیروی نظامی مشترک با حضور حداکثر پنج

هزار نیرو برای مداخله در طیف وسیعی از بحران‌ها و بدون اتکا به ایالات متحده تشکیل دهد. در این پیش‌نویس ۲۸ صفحه‌ای نتیجه‌گیری و تأکید شده که «توان آرایش سریع ارتش اتحادیه اروپا» باید بر پایه ترکیبی از نیروی زمینی، هوایی و دریایی تشکیل شود تا بسته به نوع بحران پیش آمده بتوان از ترکیب مورد نیاز آنها به سرعت استفاده کرد. پس از اعلام این خبر، نشریه دی‌سایت چاپ برلین هم اعلام کرد که وزرای خارجه و دفاع اتحادیه اروپا بحث و گفتگو درباره

پیش‌نویس این طرح را از چند هفته پیش در بروکسل آغاز کردند و هدف آنها این است که تا مارس سال آینده بر سر یک سند نهایی به توافق برسند. این نشریه آلمانی، کشورهای ایتالیا و فرانسه، دو قدرت نظامی اتحادیه اروپا، از این پیش‌نویس استقبال کرده‌اند اما دیدگاه دولت ائتلافی آلمان نیز که به زودی تشکیل می‌شود، در حصول توافق در مورد این طرح بسیار مهم خواهد بود. گزارش در رسانه اروپایی مذکور حاکی از آن است که اتحادیه اروپا و به خصوص اعضای اصلی آن به دنبال آن هستند مجدداً تشکیل نیروی واکنش سریع را در دستور کار خود قرار دهند اما باید توجه داشت که رهبران اتحادیه اروپا دو دهه پیش برای نخستین بار در مورد تشکیل یک نیروی ۵۰ تا ۶۰ هزار نفری به توافق رسیدند ولی در اجرایی کردن آن ناکام ماندند. حالا به نظر می‌رسد که دو پرونده باعث شده تا مجدداً اروپایی‌ها به فکر تشکیل نیروهای واکنش سریع مستقل بیافتند. نخستین پرونده، افغانستان است. اروپایی‌ها به شدت از تخلیه کابل توسط آمریکا عصبانی هستند و معتقدند که این اقدام دولت بایدن برخلاف برآورد آنها از اخلاقی او و تیمش؛ نشان داد که واشنگتن منافعش را مقدم بر تمام دنیای می‌داند. پرونده دوم، روسیه و مجادلاتی است که آمریکا را مقابل

آمریکایی‌ها به دلیل نفوذ اقتصادی و سیاسی که بر متن و بطن ناتو دارند، فضای اطاعت از راهبردهای خود را به اروپایی‌ها تحمیل کرده‌اند که همین مساله به خصوص در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ باعث شد تا اوضاع رو به وخامت برود

کرملین قرار داده است. واقعیت این است که اروپایی‌ها نمی‌توانند همانند گذشته به صورت تمام قد با ایالات متحده علیه چین و روسیه همه ششوند. دلیل این رویکردانی هم کاملاً مشخص است؛ چرا که چین و روسیه سرمایه‌گذاری‌های زیادی در حوزه‌های انرژی و تجاری در اتحادیه اروپا انجام داده‌اند و به همین دلیل اروپایی‌ها هر چه بیشتر با آمریکا علیه این دو کشور همراه شوند، بیشتر متضرر خواهد شد. پرونده سوم هم مسائل آفریقا است. بدون شک و با توجه به اینکه ایالات متحده در حال کم کردن نفوذ عملیاتی و اجرایی خود در خاورمیانه است، یکی از نقاطی که بیش از گذشته مورد نظر اروپا و آمریکا قرار خواهد گرفت، آفریقا است. این قاره حالا به محل مجادله اقتصادی و امنیتی چین و آمریکا و همچنین روسیه تبدیل شده است و حالا اروپایی‌ها به دلیل نفوذ سنتی در این جغرافیا، به دنبال آن هستند تا بتوانند برای مقابله با بحران‌های نظامی و امنیتی در قاره سیاه، یک سبک و سیاق مستقل را دنبال کنند که تشکیل نیروی واکنش سریع دقیقاً به همین موضوع مربوط است. با این تفاسیر اگر چه چوبایدن اخیراً چنین اقدامی را مکمل ناتو دانسته، اما بدون شک اروپایی‌ها با عملی کردن این طرح به دنبال استقلال امنیتی – نظامی از آمریکا هستند.

خبر

طالبان مدعی شد:

بحران انسانی افغانستان از دولت قبل به ما ارث رسید



وزارت خارجه افغانستان گفت که اظهارات توماس وست مبنی بر اینکه افغانستان قبل از ماه اوت هم با یک بحران انسانی مواجه بوده است، یک اعتراف ماندگار است. او افزود: این صحت دارد که مشکلات اقتصادی به دولت جدید به ارث رسیده است. بنابراین همه باید به مسوولیت‌هایشان برای رسیدگی به این مساله عمل کنند.

دولت موقت طالبان افغانستان از آمریکا خواسته است تا نقش خود را در رسیدگی به بحران انسانی جاری در این کشور جنگ‌زده ایفا کند. به گفته آنها، این بحران از قبل وجود داشته است. به گزارش آناتولی، در بیانیه وزارت خارجه طالبان افغانستان، به واشنگتن یادآوری شده است که این بحران انسانی در افغانستان به قبل از رسیدن این گروه به قدرت بازمی‌گردد. این بیانیه، واکنشی به توییت‌های توماس وست، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان بود که تأکید داشت واشنگتن سال‌ها این نکته را به طالبان گوشزد می‌کرد که اگر به جای سازش مذاکره شده با افغان‌ها به تصرف نظامی قدرت اقدام کنند، بعد کمک‌های انسانی مدنظر جامعه بین‌المللی به این کشور کاملاً متکی به کمک اقتصادی متوقف خواهد شد و این اتفاقی است که هم‌اکنون رخ داده است. عبدالقهار بلخی، سخنگوی

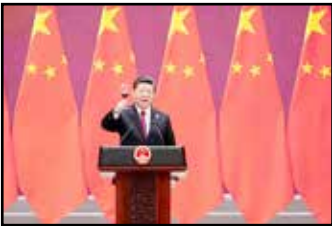
ابراز نگرانی آمریکا از تحرکات نظامی روسیه در مرز اوکراین

وزیر خارجه آمریکا در سخنانی گفت که کشورش واقع‌انگیزان تحرکات نظامی غیرمعمول روسیه در مرز با اوکراین و بخشی از اظهارات روسیه است. به گزارش اسپوتنیک، آنتونی بلینکن با اشاره به اینکه متحدان واشنگتن به طور گسترده نگرانی‌های خود را در این زمینه به اشتراک می‌گذارند، توضیح داد که آمریکا از «مقاصد ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در این باره اطلاعی ندارد. وی افزود: ولی ما می‌دانیم که در گذشته چه اتفاقی افتاده است. ما می‌دانیم که چگونه به تحریکات ساختگی از سوی اوکراین یا هر کشور دیگری که روسیه از آن برای توجیه آنچه از ابتدا قصد انجامش را داشت، اشاره کنیم. اظهارات وزیر امور خارجه آمریکا اشاره به بحرانی سال ۲۰۱۴ دارد؛ زمانی که روسیه شبه جزیره کریمه را باز پس گرفت. اخیراً وزیر دفاع آمریکا در اوج خطر درگیری بین روسیه و اوکراین، گفت که حمایت کشورش در دفاع از اوکراین عزم‌راسخ دارد.



جهان‌نما

تحلیل کریستین ساینس مانی‌تور:
«شی»، رئیس همه چیز!



به دنبال اقدام چندروز پیش حزب کمونیست چین در تصویب قطعنامه‌ای با محتوای تحسین شی جین‌پینگ و ایدئولوژی او، این رهبر چین در موقعیت برتری قرار گرفته است. رای به این قطعنامه به کلی قدرت او را برای حکومت کردن بر این کشور ۱.۴ میلیارد نفری تاهر زمانی که خودش انتخاب کند، تثبیت می‌کند. به گزارش کریستین ساینس مانی‌تور، استیو تسانگ، مدیر مؤسسه SOAS China در دانشگاه لندن، می‌گوید که شی جین‌پینگ مردی با یک مأموریت است که خود را مسئول تمام عظمت امروز چین می‌داند. واضح است که هیچ قصدی برای بازنگشتن او وجود ندارد. طی این پیروزی سیاسی، دیدگاه شی جین‌پینگ برای ملتش در سندی که قرار است برای دهه‌های آینده دوام بیاورد، درج شده و او را در موقعیتی عملاً خدشه‌ناپذیر قرار می‌دهد. برخی ناظران هشدار می‌دهند که سلطه او، که به موجب یک کیش شخصیتی رو به رشد تقویت شده، در بر دارنده تحمیل یک فرایند انطباق ایدئولوژیکی است که خطرانی را برای چین به همراه دارد. تیموتی چیک، استاد تاریخ و کارشناس چین مدرن در مؤسسه تحقیقات آسیا در دانشگاه بریتیش کلمبیا، می‌گوید: هزینه حاکمیت ایدئولوژیک، کاهش نوآوری و خلاقیت است. آنها امنیت را به قیمت خلاقیت به دست می‌آورند. مجمع عمومی کمیته مرکزی حزب حاکم کمونیست چین با بیش از ۳۰۰ عضو، که محور قدرت در چین است، هفته گذشته قطعنامه‌ای درباره دستوردهای مهم این حزب از زمان تأسیس آن در ۱۰۰ سال پیش به تصویب رساند. متن کامل این قطعنامه روز سه‌شنبه منتشر شد. به گفته کارشناسان، اهمیت تاریخی قائل شدن برای این قطعنامه که سومین سند در نوع خود است که توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از زمان تأسیس حزب در سال ۱۹۲۱ تصویب می‌شود، اغراق نیست. مانو تسه کرد، اولین قطعنامه از این نوع را در سال ۱۹۴۵ با هدف انتقاد از بنیانگذاران اولیه حزب تنظیم کرد. قطعنامه دوم از این دست نیز در سال ۱۹۸۱ توسط دنگ شیائوپینگ، رهبر برجسته وقت چین، که از آن برای نكوهش رادیکالیسم مانو و هموار کردن راه برای اصلاحات اقتصادی بازار محور و گشودن درهای چین به دنیای خارج استفاده کرد، منعقد شد. قطعنامه جدید نشان‌دهنده فاصله‌گیری رادیکال از عمل‌گرایی منسوب به دنگ است؛ عملکردی که در یک جمله معروف او دیده شد: گرچه چه سیاه باشد چه سفید، اگر بتواند موش را بگیرد، گریه‌ای خوب است. همچنین این قطعنامه از شی جین‌پینگ به خاطر بازیابی مرکزیت مارکسیسم در سیاست چین تمجید می‌کند. پروفیسور چیک می‌گوید: این به نوعی بازنویسی قانون اساسی ناوشسته حیات سیاسی در چین است. این دقیقاً همین است. ختم کلام، این سند اظهارات، اقدامات و تصمیمات سیاسی شی جین‌پینگ را به عنوان دکترین حزب کمونیست مشروعبیت بخشیده و انتقاد از آنها را برای هر کسی بسیار خطرناک می‌کند. پروفیسور چیک اضافه می‌کند که قطعنامه‌های قبلی بحث‌ها را حل و قانونی را وضع کردند که در طی ۲۰ سال بعد از آن کارکرد داشت و بعد است که این قطعنامه هم متفاوت از آنها باشد. این قطعنامه اساساً شی جین‌پینگ را فراتر از هر گونه چالشی در آستانه برگزاری بیستمین کنگره حزب در سال آینده میلادی قرار می‌دهد؛ کنگره‌ای که انتظار می‌رود در زمانی برگزار شود، او تبدیل به اولین رهبر چین پس از مانو شود که برای سومین دور پنج ساله مجدداً به عنوان دبیر کل منصوب می‌شود. در دوره زمامداری شی جین‌پینگ، که در سال ۲۰۱۲ رهبری حزب را بر عهده گرفته و همچنین رئیس‌جمهور کشور هم هست، دولت پکن محدودیت‌های مربوط به دوره‌های ریاست جمهوری را که توسط دنگ شیائوپینگ تعیین شده بود، حذف کرد. این قطعنامه تاریخی، فراتر از ارتقای جایگاه شی جین‌پینگ، چشم‌انداز او را برای ظهور چین تحسین می‌کند.